

بیمه‌فزا

از جدایی ورزش از سیاست، تا

همبستگی ایران و افغانستان

ورزش از سیاست جدا است. ورزش یک رقابت است. گویا این جملات، کلیشه ای بیش نیست. آنچه واقعیت می‌گوید کاملاً برعکس گفته‌هایی است که در چندسال اخیر در مورد ورزش ایران مطرح شده است. آنهایی که سیاسی بودن ورزش را عاقلانه نمی‌دانستند حالا خود، ورزش را سیاسی کرده‌اند. زمانی که ایران از بازی مقابل یک تیم اسرائیلی انصراف می‌دهد، می‌گویند ورزش از سیاست جداست یا ایران ورزش را سیاسی کرده است و حرف‌هایی از این قبیل اما وقتی فیفا بازی روسیه و لهستان را به خاطر جنگ روسیه و اوکراین حذف کرد، مشخص شد ورزش و سیاست به هم مربوط هستند. درست است که مسابقات ورزشی یک عرصه رقابتی محسوب می‌شود اما ارتباطش با سیاست غیرقابل انکار است. حضور زنان در ورزشگاه از دیگر اتفاقاتی است که در ایران و فضای رسانه مورد توجه قرار گرفته است. در بازی ایران و لبنان در مشهد علیرغم فروش بلیت، از حضور زنان در ورزشگاه جلوگیری شد و برخورد ناشایستی صورت گرفت رسانه‌های بیگانه نیز از این فرصت استفاده کردند و علیه ورزش ایران میزگردی تشکیل دادند که البته طبق معمول سرگرمی‌ای بیش نبود.

حادثه دیگری که دردناک و دلخراش بود، مورد حمله قرار گرفتن سه نفر از روحانیون توسط فردی از افغانستان بود. مسئله‌ای که در این میان مطرح می‌شود، روابط ایران و افغانستان در آینده خواهد بود. ایران و افغانستان سال‌های زیادی است که روابط مسالمت آمیزی دارند و این حادثه نمی‌تواند روابط دو کشور را خدشه دار کند. پر واضح است که دشمنان تمام تلاش خود را می‌کنند تا با تفرقه افکنی و ایجاد اختلاف بین قومیت‌های مختلف شیعه و سنی، آتش خشم و کینه را برافروزند اما آنچه که سبب نقش بر آب شدن نقشه‌های شوم آنها خواهد شد، بصیرت و هوشیاری ملت ایران و افغانستان می‌باشد.

رقیه خادم‌نیا



این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به

روح بلند شهدای تیپ فاطمیون... که در دنیا شناخته نشدند اما در آخرت نامشان بلند است و تمام مادران و همسران شهدا و تمام زنانی که بدون توجه به جبهه‌گیری‌های سیاسی آن چیزی که می‌توانستند برای رضای الهی انجام دادند ...

ورزش و ترکش‌های سیاسی؛ آقای فیفا چند چندی؟!

● زهرا صحرا نورد_ کارشناسی ادبیات عرب

مثال: جریمه تیم سلتیک اسکاتلند به دلیل حضور تماشاگران با پرچم فلسطین، محرومیت ۱۰ ساله جودکار الجزایری، محرومیت ۶ ماهه کشتی‌گیر ایرانی و محرومیت ۴ ساله فدراسیون جودوی ایران به دلیل عدم رویارویی با حریفی از رژیم غاصب صهیونیستی (۱) و در آخرین مورد، در پی جنگ روسیه و اوکراین، لهستان حاضر به رویایی با روسیه در پلی آف مقدماتی

رفتار دوگانه ی فدراسیون های ورزشی، فیفا و در کل غرب نسبت به این موضوع نشان می دهد که اتفاقاً ورزش، سیاسی ترین مسئله است. در سالیان اخیر همواره سازمان‌ها و انجمن‌های ورزشی که خواستار عدم دخالت سیاست در ورزش و رویدادهای ورزشی بودند بارها افراد، سازمان‌ها و کشورهایی را مورد جریمه یا تحریم از رویدادهای ورزشی نموده‌اند به طور

شاید بتوان شعاری ترین جمله ی سازمان‌ها و انجمن‌های ورزشی را «جدا شدن ورزش از سیاست» بدانیم، این جمله برای کنفدراسیون های ورزشی و کشورهای غربی شعاری زیبا ولی تو خالی است، در حقیقت شعار «ورزش از سیاست جدا است» با هدف خفه کردن صدای کسانی که به دنبال دادخواهی از ظالمان هستند مطرح شده است.



متأسفانه رفتار فدراسیون جهانی فوتبال و حتی فدراسیون های ورزشی نشان داد که این ها کاملا سیاسی عمل می کنند و رفتار سیاسی آن ها در جهت منافع غرب است.

(۱) چرا ما با نمایندگان رژیم کودک کش صهیونیست مسابقه نمی دهیم؟ (۱) چنین کشوری از نظر ما اصلا وجود خارجی ندارد. (۲) مسابقه با حریفان این رژیم غاصب به منزله تایید جنایات این رژیم است.

یادمان باشد این رژیم نه مشروعیت دارد و نه مقبولیت که اگر داشت حتی برترین ورزشکاران جهان نیز از آن ابراز انزجار نمی کردند.

به قول امام بزرگوارمان : ملت های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خود فروخته ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین های غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام کنند و نگذارند این خائن بر سر میز مذاکره ها، و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه دار کنند.

میزبانی از طرف ایران، به عنوان زمین بی طرف معرفی شد اما عربستان اعلام کرد در این کشور هم حاضر به انجام مسابقه نیست. کنفدراسیون آسیا هم تصمیم عربستان را پذیرفت. ایران در نامه ای کنایه آمیز به کنفدراسیون آسیا نوشته بود: «از AFC می خواهیم که فهرست ورزشگاه های مورد علاقه عربستان را تهیه کند و سپس دیگر اعضای این نهاد، خود را به آنچه دولت سعودی خواسته ملزم کنند».

چرا فدراسیون های ورزشی و به خصوص فیفا در موارد مشابه مداخله نظامی عربستان در یمن، تهاجم خصمانه رژیم غاصب صهیونیست به فلسطین مظلوم و حتی حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و... به خوابی عمیق فرو رفت؟! و در عین بی تفاوتی به تکه تکه شدن کودکان مظلوم، نه تنها خود اقدام به تحریم کشورهای ظالم نکردند بلکه کشورهایی که فریاد داد خواهی سر دادند را با تحریم های ورزشی خاموش کردند هر چند که دادخواهی از ظالم می تواند در عین خاموشی بلندترین صدایی باشد که نه تنها این سازمان ها را بلکه روزی می رسد که تمام مردم جهان را بیدار خواهد کرد.

جام جهانی نشد و در پی این تصمیم تیم های سوئد و جمهوری چک که رقبای احتمالی روسیه بودند دقیقا همچنین موضعی گرفتند و به همراه فدراسیون فوتبال فرانسه، از فیفا خواستار برکناری روسیه از جام جهانی قطر شدند و فدراسیون بین المللی فوتبال فیفا و فدراسیون فوتبال اروپا یوفا اعلام کردند تیم های ملی و باشگاهی روسیه از حضور در تمام میادین فوتبال محروم هستند.

این موارد در حالی است که ۸ سال از تجاوز وحشیانه عربستان سعودی به یمن می گذرد اما در این ۸ سال نه تنها یک روز هم خطر محرومیت، کشور عربستان سعودی را تهدید نکرد بلکه میزبانی های مهمی همچون میزبانی مرحله حذفی مسابقات لیگ قهرمانان آسیا نیز در اختیار این کشور قرار گرفت و فدراسیون های اسپانیا و ایتالیا نیز طی قراردادی متعهد شدند در ازای دریافت مبلغی، مسابقات سوپرکاپ خود را در جده برگزار کنند، در این ۸ سال دریغ از یک تیم غربی که عربستان و آمریکا را محکوم کند، کدام بازیکن چشم آبی و مو بلوند، پرچم یمن را روی بازویش بست؟!

در سال ۲۰۱۶ کنفدراسیون فوتبال آسیا با تصویب مصوبه ای به علت حاضر نشدن تیم های عربستانی به برگزاری مسابقه در ایران، دستور به برگزاری دیدارهای تیم های ایرانی و عربستانی در زمین بی طرف داد اما در سالهای بعد لیگ قهرمانان آسیا به علت شیوع بیماری کرونا و اجماع مسابقات گروهی در یک کشور، با دادن حق میزبانی برخی از گروه ها به نمایندگان عربستانی، باشگاه های ایران علی رقم اعتراض مجبور به برگزاری مسابقه در خاک عربستان شدند که این رویه در سالهای بعد نیز از جانب کنفدراسیون فوتبال آسیا تکرار گشت.

پیش از این نیز در سال ۱۳۹۵ وقتی باشگاه های ایران از میزبانی رقبای عربستانی محروم شده بودند، لبنان به عنوان یکی از گزینه های



ORIGINAL TROPHY

بایدها و عرصه‌های نظام

شاخصه‌های نظام مردم‌سالار دینی کدام هستند؟

● زهرا عظیمی_ کارشناسی علوم تربیتی



نظام مردم‌سالاری دینی الگوی جدیدی است که برآمده از دل دین می‌باشد و طبق بیانات رهبری، پسوند دینی، به معنای اسلامی کردن دموکراسی غربی نیست؛ بلکه خود مردم‌سالاری هم از دین گرفته شده است و روش حکومت اسلام، در دوران غیبت، بدین شیوه است. در این یادداشت قصد داریم تا شاخصه‌های مردم‌سالاری دینی را بیان کنیم.

۱. اولین و مهم‌ترین شاخصه نظام

مردم‌سالاری دینی مشروعیت الهی است در این نظام حاکم یا به خواست مستقیم خداوند منصوب می‌شود و یا اینکه در زمان غیبت امام زمان، این وظیفه توسط فقیه عادل و با کفایت بر اساس ویژگی‌هایی که در روایات معصومین آمده است، انجام می‌شود.

۲. مقبولیت مردمی: در حکومت اسلامی برای استمرار و کارآمدی، لازم است که روش حکومت و حاکمان سیاسی مورد قبول مردم باشد، تا همواره، مردم به عنوان پایه و پیش‌برنده‌ی جامعه، حضور داشته باشند.

۴. مشورت با مردم به این معناست که باید در نظام اسلامی به نظر مردم در چارچوب قانون بها داده شود. لازم به ذکر است که این قانون هم قانونی است که به رای مردم و تصویب نمایندگان مردم رسیده است. لازمه مشورت وجود شفافیت در ساختارهای مردم‌سالار است. مشورت در نظام اسلامی بر خلاف نظام‌های غربی حدودی دارد و تا حدی است که ناقض احکام الهی و قوانین ثابت اسلام نباشد.

۵. مشارکت مردمی هم باید در چارچوب قانون بگنجد و یکی از اصلی‌ترین نمودهای مشارکت مردم

مردمی شدن هنر هم بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. هنر در نظام مردم‌سالاری دینی، باید ذاتی و مخاطب را به سوی هنر فاخر و متعالی سوق دهد. از طرفی، جریان‌سازی هنر، نباید توسط قشر خاصی رهبری شود و از تمرکز فرهنگ ویژه‌ای که به نفع عده‌ای خاص می‌شود، جلوگیری به عمل آید.

در عرصه‌ی سیاست هم، علاوه بر انتخابات، سایر ابعاد هم مورد توجه است. از جمله‌ی آنها، حضور مردم در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، روابط دیپلماتیک و همچنین نقش‌آفرینی مردم در ساختارهای نقد و نصیحت است.

۶. آزادی از شعارهای اولیه انقلاب اسلامی بود و وظیفه‌ی حکومت اسلامی، حفاظت از انواع آزادی مردم است؛ البته، آزادی منحصر به آزادی اجتماعی نمی‌باشد و نهایت آزادی، رسیدن به سبک‌زندگی اسلامی با رویکرد عقلانیت و انتخاب‌گرانه است. این درک که همه‌ی انسان‌ها مختار هستند تا روش زندگی خود را انتخاب کنند و سعادت‌مند کسی است که سبک زندگی متعالی خود را در جامعه‌ی اسلامی انتخاب کند.

و نقش مشارکتی آنها در بُعد نظارتی سیستم می‌باشد. این مشارکت در عرصه‌ها و ابعاد گوناگون ضروری است. مثلاً در عرصه اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی به سمت مردمی شدن حرکت کنند و تولید، شاخص اصلی آن باشد. به علاوه قیمت‌گذاری‌های بازار هم با مشارکت صنوف مختلف و در نظر گرفتن حقوق مردم باشد. طبق قانون اساسی اقتصاد در ایران، اقتصاد سه شکل دارد؛ اقتصاد دولتی، اقتصاد خصوصی و اقتصاد تعاونی. ضعف سیستم اقتصادی اکنون ایران هم، در همین قسمت اقتصاد تعاونی است که در واقع نشان از ضعف همکاری مردم و دولت است.

در عرصه‌ی نظام آموزشی هم، اولاً باید نظام‌های تربیتی به سمت بومی‌سازی تعلیم و تربیت هر منطقه با نقش‌آفرینی خانواده‌ها و والدین در طی فرایندها و عملکردهای تربیتی حرکت کند. ثانیاً، نقش اولیا و مربیان برای اجرای برنامه‌های مشخص، از پیش تعیین شود.

در عرصه‌ی هنر هم، از آنجاییکه نهاد هنر، یکی از مهم‌ترین نهادهای موثر در هر جامعه‌ای می‌باشد،

سلام همسایه

مهاجرت و حضور گسترده‌ی مردم افغانستان در ایران فرصت است یا تهدید؟

● کوثر پاریزی_ کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی

فضای خانه های مسکونی توسط مهاجران افغانستانی به این بحران بیافزاید و در افزایش تقاضا و به تبع افزایش قیمت مسکن موثر باشد. ۳. استفاده از امکانات عمومی کشور که برای مردم کشور است توسط مهاجران.

با بررسی بیشتر این موضوع می توان آسیب های دیگری نیز در زمینه های مختلف یافت. اما آیا حضور مهاجران افغانستان در کشور می تواند فرصت محسوب شود؟ باید گفت: بله. درست است که در نگاه واقع بینانه می توان آسیب های زیادی به دلیل وجود این مهاجرت ها پیدا کرد اما در واقع فرصت های مهاجرت مردم افغانستان به کشور را هم باید در نظر گرفت.

نیروی کار خودی را اشغال کند. ۲. کشور ما با بحران کمبود خانه روبرو است و ممکن است اشغال فضای خانه های مسکونی توسط

آیا از این مهاجرت می توان به عنوان فرصتی برای ایران نام برد یا اینکه حضور مردم افغانستان در کشور تهدید محسوب می شود؟

در پاسخ باید یک دید واقع گرایانه به قضیه داشت حقیقتاً حضور رو به افزایش مردم افغانستان در کشور ایران می تواند آسیب های جدی در پیش داشته باشد از جمله این آسیب ها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. از آنجایی که اکثر مردم کشور افغانستان بدون تحصیل و تخصص وارد ایران می شوند به هر شغل و حرفه ای راضی هستند و به راحتی شغل های سطح پایین را می پذیرند و این می تواند باعث تن پروری جوانان و نیروی کار ایرانی شده و حتی می تواند فضای اشتغال نیروی کار خودی را اشغال کند.

۲. کشور ما با بحران کمبود خانه روبرو است و ممکن است اشغال

جمهوری اسلامی ایران و کشور افغانستان دارای اشتراکات زیادی هستند که از جمله آنها می توان به زبان مشترک فارسی، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک مذهب، مرز مشترک و ... اشاره کرد. روابط این دو کشور در طول تاریخ خصمانه و بد نبوده است و با بررسی تاریخ روابط آنها می توان شاهد ارتباط خوبی بود. حتی اگر در روابط سیاسی گاهی مشکل ایجاد شده باشد، رابطه مردم دو کشور همچنان دوستانه بوده است. اما آنچه که اکنون در این روابط مسئله ایجاد کرده است مهاجرت بسیار مردم افغانستان به کشور ایران است که بعد از حضور جدی طالبان در کشور افغانستان این مهاجرت به کشورهای دیگر از جمله ایران افزایش چشمگیری داشته است، حال پرسش این است که این روابط به نفع ایران خواهد بود یا به ضرر ایران؟





۴. ما موظفیم مرزهای کشور را حفظ کنیم حال می توانیم از طریق ایجاد روابط دوستانه با کشور افغانستان و حمایت از مهاجران آن در قالب قوانین، چارچوبها و محدودیت‌هایی، حافظ مرزهای شرقی کشور باشیم.

فرصت های دیگری در حضور مهاجران افغانستان می تواند وجود داشته باشد که نام بردن از آنها نیازمند بررسی و تحقیق بیشتری است.

باید نگاهی واقعی به این مهاجرت ها داشته باشیم و با نگاهی منطقی هم آسیب‌های حضور مهاجران افغانستان را بشناسیم و هم فرصت های آن‌را.

البته باید حواسمان باشد که آسیب‌های احتمالی و حتمی که وجود دارد را برطرف کنیم و اجازه ظهور و بروز آن‌ها را ندهیم و با وضع قوانین و محدودیت‌های مشخص جلوی ایجاد مشکل برای کشور را بگیریم. همینطور لازم است از فرصت‌های موجود در این مهاجرت‌ها به نفع کشور و منطقه استفاده کنیم قبل از اینکه دشمنان و به خصوص دشمنان غربی، از فرصت‌های شرق جهان به نفع خودشان بهره ببرند.

غربی‌ها در شرق را نداد.

برای واضح شدن این مطلب مثالی ذکر می شود. احمد شاه مسعود که وزیر دفاع افغانستان بود به خانواده‌ی خود تاکید کرده بود که به خارج از کشور برای زندگی تحصیل و غیره مهاجرت نکنند جزء به کشور ایران. حال چه بهتر که احمد مسعود یعنی پسر احمد شاه مسعود را ما حمایت کنیم و اجازه ندهیم غربی‌ها با حمایت خود را در آغوش بگیرند و به مهره‌ای ضد منطقه تبدیل کنند.

۲. حمایت از مهاجران افغانستان علاوه بر قطع ارتباط غرب با منطقه می تواند در رشد و پیشرفت و همه گیری زبان مذهب و سنن کشور ما کمک کند به این صورت که با دادن فرصت تحصیل، رشد علمی و فرهنگی، امکانات بهداشتی، تغذیه مناسب و... می توان مهاجران را که باهم اشتراکات بسیار زیادی داریم به عنوان مبلغان دین زبان و سنن کشور خود آماده کرد.

۳. حضور این مهاجران می تواند باعث اشغال فضای شغل و کار شود ولی از طرف دیگر هم می تواند باعث ایجاد رقابت در فضای کسب و کار شود و جوانان کشور را به کسب و تولید تشویق کرد.

مهاجران افغانستانی به این بحران بیافزاید و در افزایش تقاضا و به تبع افزایش قیمت مسکن موثر باشد.

۳. استفاده از امکانات عمومی کشور که برای مردم کشور است توسط مهاجران.

با بررسی بیشتر این موضوع می توان آسیب های دیگری نیز در زمینه‌های مختلف یافت. اما آیا حضور مهاجران افغانستان در کشور می تواند فرصت محسوب شود؟ باید گفت: بله. درست است که در نگاه واقع بینانه می توان آسیب‌های زیادی به دلیل وجود این مهاجرت‌ها پیدا کرد اما در واقع فرصت‌های مهاجرت مردم افغانستان به کشور را هم باید در نظر گرفت.

۱. اگر با یک نگاه تمدنی به این قضیه بنگریم دشمن غربی به راحتی می تواند نخبگان دانشجویان جوانان و جمعیت رو به رشد و تاثیرگذار کشور افغانستان را در دام تبلیغات خود بیندازد در واقع غربی‌ها بسیار سعی دارد که در شرق جهان فرصت‌هایی برای حضور خود پیدا کنند اما باید با حمایت از قشر موثر کشور افغانستان آنها را در دست خود گرفت و با فرهنگ شرقی رشد داد و اجازه حضور

سیاست مردانه

در ایران زنان چقدر در سیاست نقش دارند؟

● هدیه گیاه تازه_ کارشناسی آمار و کاربردها



آنچه واضح است این که حضور زنان در سیاست از دیر باز در تاریخ ایران وجود داشته. راه طی شده برای به رسمیت شناختن این حضور راه پر پیچ خمی بوده است البته شایان توجه است که حالت فعلی برای حضور زنان در سیاست کافی نبوده و تا به رسمیت شناختن کامل حق این قشر نیمی از جامعه همچنان باید حرکت کرد. آنچه که مهم است آن است که نگاه زنانه در سیاست یک امر واجب محسوب میشود. زنان در یک اجتماع کوچک تر مانند خانه مدیریت اهل آن را بر عهده دارند، از مدیریت خرج و مخارج تا مدیریت فرزندان و خوراک و پوشاک اعضای خانواده، وجود زنان در منزل موجب تلطیف فضا و رسیدگی مطلوب به امورات خانه است. آنچه که زنان را مدیران موفق خانه نسبت به مردان می کند اول نکته سنجی و ریز بینی آنها و دوم توجه به چند امر به صورت همزمان است. یک مدیر موفق مدیریت است که بتواند همزمان هم جزئیات را خوب ببیند و هم بتواند به تمام زوایای ماجرا توجه کند. با احتساب این دو ویژگی که از خلقت زنان سرچشمه می گیرد کاملاً قابل درک است که زنان مدیران چه بسا بهتری از مردان باشند. آنچه تا امروز سبب شده که زنان به حق واقعی خود نرسند اول کمبود شدید اعتماد به نفس در خودشان، دوم اجازه ندادن مردان برای حضور زنان، سوم عدم توجه به استعدادها توسط خود بانوان و پرورش ندادن آنها و چهارم برخی حسادت ها و ناسازگاری های زنان نسبت به یک دیگر است.

اولین جرقه حضور بانوان در عرصه های سیاسی و اجتماعی و به صورت

کلی عرضه فکر و توانایی به جامعه، در انقلاب مشروطه ظاهر شد. بانوان بسیاری پا به پای مردان از حقوق اولیه خود دفاع کردند... اگر کسی فکر کند که بدون حضور خانمها و فقط با قدرت و زور بازوی مردانه می توان تمام امور را جلو برد باید بداند که این خیال واهی و سراسر خطاست، نشان حضور موثر زنان حتی در زمان قاجار که شایسته کافی برای زنان قائل نبودند هم بسیار متبلور است. باید پذیرفت که نقش زنان در نهضت تحریم تنباکو بسیار درخشان جلوه گری می کند. شکستن تمام قلیان ها توسط زنان و اعتراض به ناصر الدین شاه برای تحریم تنباکو تیر خلاصی بر لغو امتیاز تجارت تنباکو برای اروپاییان بود. همچنان مثال های خاصی از نقش زنان در سیاست بسیار پیدا میشود. برای مثال انیس الدوله یکی از معروف ترین زنان دربار ناصر الدین شاه، یکی از بانوان خوش فکر و باهوش دربار بود. از قرار مشخص ناصر الدین شاه هم به حرف های این همسرش بسیار گوش می داد و انیس الدوله که از جایگاهش نزد شاه خبر داشت به

جای خوشگذرانی و اقدامات موقت به اصلاح امور می پرداخت، به فکر فقرا بود، سازندگی می کرد و از حیف میل بی حساب کتاب جلوگیری می نمود، برای مثال نقل است که شاه شهید وقتی برای استحمام اقدام می کرد هیچ گاه لباس های قبلی را بر تن نمیگردد انیس الدوله هم با هزار مکافات لباس ها را به فقرا میبخشید و یا با فروش آن برای فقرا غذا تهیه می کرد ...

تاسیس آب انبار ها و حمام های بسیاری هم منسوب به ایشان است، که برای جامعه آن زمان که مردسالاری بی قید و شرط بر آن حاکم بوده اقدامات بشدت به جا و در خور توجهی است.

البته ممکن است خواننده تصور کند پس در زمان ما چه؟ آیا زنان در سیاست ما نقشی دارند؟ آنچه که واضح است این است که نمیتوان نقش زنان را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جنگ ۸ ساله نادیده گرفت. مشخصا زنانی همچو مرضیه حدید چی که با ۸ فرزند از محافظان امام خمینی و از موسسین سپاه همدان هستند مثال هایی

هستند که نشان میدهند این راه هرچند بسیار پر پیچ و خم اما قابل حرکت کردن و به مقصد رسیدن است.....

باید دانست که هرچند تاریخ را مردان نگاشته اند، اما در بزنگاه های بزرگ تاریخی هیچ کس نمی تواند نقش زنان را انکار کند که اگر بکند جز کج فهمی خودش را فریاد نکرده است. نقش زنان خوب و نیکوکارانه همچو آسیه، بانوی بزرگ اسلام خدیجه که یار و یاور پیامبر بزرگ اسلام بود و با بذل تمام اموالش اسلام را از نابودی بزرگ نجات داد، فاطمه همسر امیر المومنین در دفاع از حق شوهرش و حق امامت، زینب کبری خطیب بزرگ شجاع، بی شک بسیار بزرگ و انکار ناشدنی است. و حق بانوان در تغییر مسیر تاریخ تا به امروز ادامه داشته و زین پس نیز ادامه می یابد و صد البته با استقرار حکومت عادل جهانی به که به فرموده بزرگان بانوان هم در آن جایگاه بزرگی دارند به راه خود ادامه خواهد داد.

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_islami_alzahra
@anjomanalzahra

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سردبیر: رقیه خادم نیا

هیئت تحریریه: رقیه خادم نیا، زهرا صحرائورد، زهرا عظیمی، کوثر پاریزی، هدیه گیاه تازه

صفحه آرا: زهرا عظیمی

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶